

## درس آموزی از جنگ هشت ساله

محمود یزدان فام

جنگها را می توان با استفاده از شیوه های مختلف بررسی کرد. در واقع، اهداف متعددی برای مطالعه و بررسی آنها، وجود دارد. برخی از این مطالعات، رویکردی تاریخی دارند و به توصیف وقایع می پردازند، رویکرد برخی دیگر آینده نگرانه است و به تجربه های آن برای بهره برداری در موارد احتمالی توجه می کنند و بالاخره، عده دیگری رویکرد معرفتشناسانه ای نسبت به موضوع دارند. البته، هر یک از این رویکردها در جای خود مفید است و در صورت توجه بدان به پایداری جوامع کمک می کند. ملتها با شناخت و آگاهی از سرگذشت مشترکشان هویشان را منسجم تر و با دریافت الگوهای تاریخی آن را غنی تر و پایدارتر می کنند حتی اسطوره های خود را می سازند و بر دلاورمردی نیاکانشان افتخار می کنند. این گذشته تلخ و شیرین، با تمام شکستها و پیروزیها تجربه ای برای پیروزی در آینده است. با وجود اینکه آینده تکرار گذشته نیست، اما بر مبنای آن استوار است و هیچ ملتی نمی تواند بدون شناخت گذشته آینده درخشانی پیش روی داشته باشد.

### جنگ هشت ساله چراغی فراراه آینده

جمهوری اسلامی ایران، اکنون، با تهدیدهای متعددی روبه رو است و در این راستا، برای مقابله با تحمیل جنگی دیگر و در صورت وقوع جنگ، برای کاهش تأثیرات منفی و پیروزی در آن، هیچ تجربه ای از درسهای جنگ هشت ساله مفیدتر و مؤثرتر نیست. برای جلوگیری از وقوع جنگ یا پیروزی در جنگی که آغاز شده است، دولتها ناگزیرند آمادگی دفاعی کسب کنند، جنگ تهدید فوری، قوی و مستقیمی علیه امنیت ملی کشورهاست و کلیدی ترین منافع ملتها، یعنی بقای آنها با جنگ تهدید می شود. برای سنجش میزان آمادگی دفاعی کشورها افزون بر تواناییهای اقتصادی و اجتماعی، در حوزه نظامی نیز جدا از جنگ افزارها، سازمان نیروهای مسلح و ... بر میزان تجربه جنگی آنها تأکید می شود، اینکه نیروهای مسلح چه میزان تجربه جنگی دارند و چقدر آن را در فرآیند کسب آمادگی نظامی به کار بسته اند.

درس آموزی از تجربه های جنگ ایران و عراق ضرورت انکارناپذیری است، اما این بازگشت به

جنگ هشت ساله به معنای ماندن در گذشته نیست، این نقطه عزیمت برای نیروهای مسلح، مسئولان نظام و مردم است. جنگ را باید با هدف آینده نگرانه، بدون تعصب و با ابزارهای دقیق علمی بررسی کرد و شناخت. در استفاده از تجربه های جنگ و به کارگیری مؤثر آن در آینده باید به سه نکته اساسی زیر توجه کرد:

**(۱) شناخت جنگ آن گونه که بود:** جنگ ایران و عراق همانند تمامی پدیده های دیگر بشری و سیاسی - نظامی پیچیدگی ویژه ای دارد و پر از تجربه های تلخ و شیرین، شکست و پیروزی، ضعف و قوت، احساس و عقل، تصمیم گیری های درست و نادرست است. تصمیمها و اقدامات جنگ در هر دو سوی آن، براساس میزان شناخت و تجربه های بشری و ویژگیهای مختلف انسانی، اتخاذ شده و انجام گرفته است. البته، به میزانی که حسابگری و عقلانیت مطرح بود، اقدامات احساسی و شهادت نیز حضور داشته است؛ بنابراین، در شناخت جنگ و درک تجربه ها و گرفتن درسها لازم است تمامی جوانب و ویژگیهای جنگ مورد مطالعه قرار گیرد و جنگ به عنوان یک پدیده ارزیابی شود.

**(۲) استفاده از ابزارهای علمی مناسب:** جنگ سطوح و ابعاد گوناگونی دارد که با رویارویی دست کم دو کشور بروز می کند و در فرآیندهای گاه متعارض پیش می رود. در این میان، بازیگران متعددی بر تحولات آن تأثیر می گذارند و این تحولات تصمیمها را دگرگون، ساختارهای جدیدی را ایجاد و به اقدامات کنش گرایانه ای منتهی می شوند.

حقیقت آن است که کلاف پیچیده جنگ را نمی توان بدون بهره گیری از حداقل ابزارهای معرفت شناسانه امروز بشری درک کرد. آشنایی با نظریه ها و رویکردهای مطالعاتی در عرصه علوم اجتماعی به معنای عام و علوم سیاسی و نظامی به معنای خاص، می توانند چهارچوبهای فکری و ذهنی مورد نیاز را برای تحلیل جنگ فراهم آورند. با توجه به موضوع و سطح تحلیل، رویکرد نهادی، تحلیل رفتاری و نظریه انتخاب عقلایی می توانند گزینه های مناسبی باشند تا با بهره گیری از روشهای تحلیل کیفی، ارزیابی کمی و مطالعه مقایسه ای به شناخت مناسب تری دست یافت. بررسی علمی جنگها افزون بر اینکه به شناخت دقیق جنگ منجر می شود، می تواند مقیاسی برای کارآیی نظریه ها و رویکردهای این حوزه باشد. در این میان، تاریخ، آزمایشگاه علوم انسانی برای سنجش نظریه ها و میزان درستی و نادرستی نظریه های طرح شده است.

**(۳) آینده دقیقاً با گذشته منطبق نیست:** نتیجه تجربه اندوزی و درس آموزی، رفع اشکالات و اتخاذ تصمیمها و انجام اقدامات مفیدتر است که نسبت به گذشته خطای کمتری دارد و دستاورد آن بیشتر است. همچنین، باب درس آموزی مسدود و محدود نیست و ملتهای دیگر نیز می توانند به این کار اقدام کنند؛ بنابراین، جدا از دلایل دیگر از همین دیدگاه نیز، جنگهای آینده را نمی توان همانند

جنگهای گذشته دانست، اما مشخصاً، جنگها به دلیل ویژگیهای مشترک یک نوع پدیده محسوب می شوند و از این نظر می توانند موضوع مطالعه علمی و مقایسه ای قرار گیرند تا پدیده ای تکرارپذیر از آنها استنباط و در مراحل بعدی، احتمالاً، قانون و اصول علمی، استخراج شود. همین ویژگیهای مشترک و متفاوت هر یک به نوعی می توانند، تجربه مفیدی برای آینده باشند.

بررسی جنگهای گذشته باید با آینده نگری همراه باشد و جنگ احتمالی را نیز به طور موثکافانه شناسایی کند تا میزان تطبیق و تمایز آنها روشن و با توجه به شرایط جدید از تجربه های گذشته بهره برداری شود. هرگونه انطباق و اقدام ناآگاهانه، به صرف انجام آن در گذشته، مهلکه ای بزرگ تر برای ملت خواهد بود؛ بنابراین، باید بین تکرارپذیری و تغییرپذیری پلی برقرار کرد و ضمن استنباط اصول جنگهای گذشته، به طور علمی، به میزان انطباق آن با شرایط جدید همت گذاشت.

### ضرورت تجربه اندوزی و درس آموزی

امروز، درس آموزی از جنگ ایران و عراق از دو منظر اهمیت بیشتری پیدا کرده است. نخست، از این نظر که تهدیدها علیه جمهوری اسلامی ایران هر روز پررنگ تر و احتمال تحمیل جنگی دیگر بیشتر می شود؛ بنابراین، در این مرحله، تجربه آغاز جنگ و اقدامات متقابل ایران و عراق و بهره گیری از راههای مختلف برای جلوگیری از آغاز جنگ می تواند بسیار مفید و مثمرتر باشد. بدین ترتیب، لازم است پاسخ دقیقی به این پرسشها داده شود که چرا جنگ آغاز شد؟ آیا جنگ اجتناب ناپذیر بود؟ در صورتی که پاسخ به پرسش اخیر مثبت باشد، مرحله دیگری از درس آموزی از جنگ ایران و عراق آغاز می شود. بدین ترتیب، باید به این گونه پرسشها نیز پاسخ داد که چگونه می توان مانع از رسیدن دشمن به هدف شد؟ چگونه می توان خسارات و تلفات جنگ را کاهش داد؟ کدام استراتژی برای شکست دادن دشمن مفیدتر و مناسب تر است؟ مناسب ترین سناریو برای پایان دادن به جنگ کدام است؟ در جنگ ایران و عراق در مورد هر یک از مسائل مزبور چگونه عمل کردیم؟ ضعفها و قوتهای آنها کدام بود؟ در مورد جنگ احتمالی چه سناریوهایی قابل پیش بینی است و از تجربه های جنگ هشت ساله چگونه می توان برای شرایط جدید استفاده کرد؟

اکنون، حدود پانزده سال از پایان جنگ می گذرد، مشکلات دوران جنگ در مورد بیان وقایع پایان یافته است، با توجه به اینکه نسلی که مسئولیت سنگین جنگ را در حوزه های گوناگون سیاسی، نظامی و ... بر دوش داشت، در سنین بالا قرار دارد و نسل جدید نیز به طور عینی جنگ را ندیده است. بدین ترتیب، مکتوب سازی جنگ می تواند در انتقال تجربه ها و درسهای جنگ بسیار مفید باشد. از این منظر نیز، ثبت و انتقال تجربه های جنگ ضرورت دارد و برای نسل بعدی آگاهی از این تجربه ها و درسها و بهره گیری از آنها می تواند کاهش میزان تصمیمهای نامناسب و عمل به اقدامی با دستاوردهای بیشتر را موجب شود.